

# نگاہی دوبارہ

بہ یک موضوع تاریخی

نقدی بر مقالہ:

احمد آیت اللہی

احمد آیت اللہی

ندای حق

واحد فرہنگی مسجد آقا

میرزا احمد (رض)

نشریہ شمارہ (۳)



# گل میان آتش نمرود سوخت

نگرشی تحقیقی در اثبات وجود مقدسه حضرت رقیه بنت‌الحسین (ع)

[مسجد حسین خادمان نوش آبادی]

در شام (سوره) حرمی چشم‌ها را می‌نوازد که صاحبش، گلی از گلستان محمدی و ریحانه‌ای از بوستان فاطمی است.

رقیه بنت‌الحسین (ع)، پرچمی دیگر در اثبات حقانیت و مظلومیت حسین بن علی (ع) است. آری پارگاه ملک پاسبان حضرت رقیه (س)، بیرق همیشه افراشته‌ایات بیروزی حق بر باطل است! حرم رقیه، وادی طوری است که همگان برای ورودش باید نعلین از پا بکنند و با پای برهنه به آستان پوشش شرفیاب شوند.

وجود مقدسه حضرت رقیه بنت‌الحسین (ع)

از سه منظر قابل رؤیت و اثبات است:

اول منظر متقن تاریخ و مقاتل

دوم تواتر اجمالی و معنوی

سوم دلیل عقلی و منطقی

تاریخ و مقاتل

در ضلع تاریخی اسناد و نقل مورخین نام آشنای تاریخ حسینی و طرح وجود مقدسه آن حضرت به وضوح به چشم می‌خورد؛ توجه به موارد ذیل خود حکایت از این مهم دارد: در کتاب‌های الذممة الساکیه جلد ۴، صفحه ۲۵۱، معالی السبطین، جلد ۲، صفحه ۲۲ و ذریعة النجاه، صفحه ۱۳۹، چنین آمده:

آنگاه که امر بر امام حسین (ع) مشکل‌تر از مشکل شد و حضرت یکه و تنها ماند به خیام برادرانش نگرست، آنجا را خالی یافت، به خیمه‌های فرزندان عقیل نگاه انداخت، آن را هم خالی دید و... به خیمه فرزندش علی بن

الحسین (ع) رفت و با فرزندش خلوت نمود و برای وداع آماده شد و دست امام سجاد (ع) را

گرفت و با صدای بلند چنین فرمود: یا زینب و یا ام کلثوم و یا سکنیه و یا رقیه، و یا فاطمه! اسمع کلامی و اعلمن ان اینی هذا خلیفتی علیکم و هم امام مقررش الطایفة، «ای زینت و ای ام کلثوم و ای سکنیه و ای رقیه و ای فاطمه سخنانم را بشنوید

و بدانید فرزند علی (ع) جانشین من بر شماست و او امام مقررش الطایفة است»<sup>(۱)</sup>

در جلد چهارم الذممة الساکیه، صفحه ۳۴۶ با ثبت است: آنگاه که وداع آخر شد حضرتش ندا داد! یا ام کلثوم و یا سکنیه و یا رقیه... ای ام کلثوم و ای سکنیه و ای رقیه و ای... من رفتم خدا حافظ

در کتاب ادب الحسین بیست ذیل منسوب به امام حسین (ع) است



## به دستور یزید برای آرام کردن

## حضرت رقیه سر بریده

## حسین بن علی را در طبعی

## گذاشتند و در ویرانه، دختر

## به ملاقات پدر نایل شد و از

## شوق دیدار جان به جان آفرین

## تسلیم کرد

## الا یا رقیه یا ام کلثوم اتم

## ودیعه رمی الیوم قد قرب الیوم

## این بیست خیر از اتمام حجت حضرت

## اباعبدالله الحسین (ع)، با هر زمان و ابزاری

## می‌دهد و اینکه وجود مقدسه حضرت رقیه (س)،

## حضور پررنگ بوده که در نثر و نظم و خطاب و

## وداع و... مشیر بوده است.

## مرحوم محلاتی در جلد سوم کتاب ریاحین

## الشریعه، صفحه ۳۰۹ چنین می‌نویسد:

## در منتهی‌الاسمال از کتاب کامل بهایی از

## کتاب حلوه نقل است: ... زنان خاندان رسالت

## در حالت اسیری آوردند... هر دختری را و عده‌ها

## می‌دادند... تا اینکه به مجلس یزید مامون

## آوردند... دختری بود سه یا چهار ساله، شعی

## از خواب بیدار شد و گفت پدرم (حسین ع) را

## می‌خواهم و ناله کرد... به دستور یزید برای آرام

## کردنش سر بریده حسین بن علی را در طبعی

دخت امام حسین (ع) خود کرامت بزرگی است که بر جهانیان نمودار گشته و می‌گردد.

● تواتر اجمالی و معنوی

تواتر در لغت به معنای پیامپی آمدن و در

اصطلاح خیر جماعتی را گویند که فی حد نفسه

اصاده علم کنند و انسان از شنیدن آن قطع به

صدق مضمون نماید، مانند خبر وقوع یک حادثه

مسلم تاریخی و سلاک در آن حصول اطمینان

است و قطع به مضمون خیر و ایمنی از عدم تباهی

مخبرین بر کذب.

متواتر معنوی آن است که مخبرین از واقعه یا

واقعی به مضمون واحد در قالب الفاظ مختلف

خبر دهند، به طوری که الفاظ به دلالت تضمینی

یا التزامی بر معنای واحدی دلالت کند و از آن

اخبار علم به معنای مشترک حاصل شود.<sup>(۱)</sup>

مثال: زید به عمرو سبیلی زد. زید به عمرو لگد

زد. زید به عمرو مشت زد. زید به عمرو تازیانه

زد... انسان از مجموع این اخبار به دلایل تضمینی

پی‌می‌برد که زید ضارب عمرو بوده است، زیرا

اخبار متضمن صدور ضرب از زید بر عمرو

می‌باشد. یا روایات متعدد درباره دلاری‌های

حضرت علی (ع) در جنگ‌های مختلف به طور

التزام بر شجاعت آن حضرت دلالت دارد.

در جریان تاریخی ویرانه شاه هم، همین

قانون وارد است، زیرا مورخین و مقاتل نویسان

اتفاق مشهور را اگرچه با عناوین و الفاظ مختلف

گاهی منسوب به اسامی چون زبیده بنت‌الحسین

و... نقل کرده‌اند، اما با کمی تأمل حقیقت

اثباتی و ثبوتی آن از مضمون اخبار به دلالت

تضمینی متواتر ثابت می‌گردد.

آری حقیقت وجود مقدس حضرت رقیه

بنت‌الحسین (ع) میان تمام مورخین مورد اتفاق

است و منابع مختلف وجود آن حضرت و داستان

شهادتش را متفقاً نقل کرده‌اند که به بخشی از آن

اشاره شد.

اما تواتر اجمالی این است که اخبار موضوعی

در حد تواتر باشد و بر آن موضوع از نظر سعه و

ضیق (دامنه شمول) به طور متفاوت دلالت کند

ولی قدر مشترکی بین آن اخبار باشد و آن قدر

مشترک حاصل از اخبار مختلف الدلالة را متواتر

اجمالی گویند؛ زیرا انسان علم اجمالی پیدا

می‌کند که در هر حال یکی از اخبار این معصوم

صادر شده است مانند روایت حجت خیر واحد

که مضمون مختلف دارد و هر حدیثی امری را در

حجت خیر واحد شرط دانسته، مضمون برخی از

اخبار اعم و مضمون بعضی دیگر اخص است؛ قدر

متقن همان مضمون اخص است. بنابراین درباره

خبر وجود مقدسه حضرت رقیه (س) هم همین

قانون ورود داشته و نتیجه همان مضمون اخص

یعنی رقیه بنت‌الحسین می‌باشد و لذا وجود

ایشان به تواتر اجمالی هم ثابت و هویدا است.

● دلیل عقلی و منطقی

با کمی تأمل مشخص می‌گردد اگر مسئله

وجود مقدس حضرت رقیه بنت‌الحسین (ع)،

حقیقت و واقعیتی خارجی نداشت، در طول

تاریخ علمای حساس، شجاع و حقیقت‌مدار

شیعه، به آن اشاره داشتند، در حالی که عکس

این معضات صادق است یعنی در طول تاریخ

بزرگترین علمای شیعه مانند سید مرتضی،

میرزای شیرازی، سید بحر العلوم و... حتی

مراجع بزرگوار معاصر همگی فتوا به انجام عرض

ارادت به ساحت مقدسه حضرت رقیه (س)

بنت‌الحسین و زیارت بارگاه این گلی که لاله

شدا اصادر فرموده‌اند و حتی خودشان به

زیارت آن حضرت مشرف می‌شوند و بالاترین

دلیل عقلی این که حضرت امام خمینی (ره) و

حضرت امام خامنه‌ای در شام (سوره) نماینده

داشته و دارند و اگر واقعا شام حرم حضرت رقیه

بنت‌الحسین (ع) و حضرت زینب (س) نبود، بر

حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خامنه‌ای

واجب و لازم بود مقلدان و امت اسلامی را روشن

می‌فرمودند تا خود را برای امری که حقیقت

ندارد به زحمت و هزینه نیندازند و اصلاً اعزامی

صورت نگیرد و این در حالی است که عکس

مطلب صادق است زیرا نماینده حضرات نه تنها

چنین نمی‌فرمایند، بلکه تأیید و تأکید هم دارند

و بارها خود در پای منابر و اطمان و مداحانی

که سیره سوزان حضرت رقیه (س) را تبیین

می‌کنند، تشنه‌اند!

بنابراین روشن و هویدا می‌گردد که وجود

مقدسه حضرت رقیه (س) از بدیهیات و مسلمات

و متواترات است و آنان که خدشه بر آن وارد

می‌سازند یا حوصله تحقیق و تأمل علمی ندارند

یا در پی ایجاد شبهه هستند تا مردم را در غبار

تردید منحرف سازند. السلام علیک یا رقیه

بنت‌الحسین!

منابع:

۱. مبسوطه کلمات الحسین، ص ۲۸۶

۲. ریاحین الشریعه، ج ۲، ص ۲۱۲

۳. قوانین اصول، ج ۱، ص ۳۲۰



## گل میان آتش نمرود سوخت

نگرشی تحقیقی در اثبات وجود مقدسه حضرت رقیه بنت الحسین (ع)

در شام (سوریه) حرمی چشم‌ها را می‌نوازد که صاحبش، گلی از گلستان محمدی و ریحانه‌ای از بوستان فاطمی است.

رقیه بنت الحسین (ع)، پرچمی دیگر در اثبات حقانیت و مظلومیت حسین بن علی (ع) است. آری بارگاه ملک پاسبان حضرت رقیه (س)، بیرق همیشه افراشته اثبات پیروزی حق بر باطل است! حرم رقیه، وادی طوری است که همگان برای ورودش باید نعلین از پا بکنند و با پای برهنه به آستان بوشش شرفیاب شوند.

وجود مقدسه حضرت رقیه بنت الحسین (ع) از سه منظر قابل رویت و اثبات است:

اول سطور متقن تاریخ و مقاتل

دوم تواتر اجمالی و معنوی

سوم دلیل عقلی و منطقی

تاریخ و مقاتل

در ضلع تاریخی اسناد و نقل مورخین نام آشنای تاریخ حسینی و طرح وجود مقدسه آن حضرت به وضوح به چشم می‌خورد؛ توجه به موارد ذیل خود حکایت از این مهم دارد:  
در کتاب‌های الدمعة الساکبه جلد ۴، صفحه ۳۵۱، معالی السبطین، جلد ۲، صفحه ۲۲ و ذریعة النجاه، صفحه ۱۳۹، چنین آمده:

آنگاه که امر بر امام حسین (ع) مشکل‌تر از مشکل شد و حضرتش یکه و تنها ماند به خیام برادرانش نگریست، آنجا را خالی یافت، به خیمه‌های فرزندان عقیل نگاه انداخت، آن را هم خالی دید و ... به خیمه فرزندش علی بن الحسین (ع) رفت و با فرزندش خلوت نمود و برای وداع آماده شد و دست امام سجاد (ع) را گرفت و با صدای بلند چنین فرمود: یا زینب و یا ام کلثوم و یا سکینه و یا «رقیه» و یا فاطمه! اسمعن کلامی و اعلمن ان ابنی هذا خلیفتی علیکم و هم امام مفترض الطاعة؛ «ای زینت و ای ام کلثوم و ای سکینه و ای رقیه و ای فاطمه سخنم را بشنوید و بدانید فرزندان علی (ع) جانشین من بر شماست و او امام مفترض الطاعة است. (۱)

در جلد چهارم الدمعة الساکبه، صفحه ۳۴۶ باز ثبت است: آنگاه که وداع آخر شد حضرتش ندا داد! یا ام کلثوم و یا سکینه و یا رقیه ... ای ام کلثوم و ای سکینه و ای رقیه و ای ... من رفتم

در کتاب ادب الحسین بیت ذیل منصوب به امام حسین (ع) است

الایا رقیه یا ام کلثوم انتم

ودیعة ربی الیوم قد قرب الوعد

این بیت خبر از اتمام حجت حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، با هر زبان و ابزاری می دهد و اینکه وجود مقدسه حضرت رقیه (س)، حضوری پررنگ بوده که در نثر و نظم و خطاب و وداع و ... مشیر بوده است.

مرحوم محلاتی در جلد سوم کتاب ریاحین الشریعه، صفحه ۳۰۹ چنین می نویسد:

در منتهی الامال از کتاب کامل بهایی از کتاب حاویه نقل است: ... زنان خاندان رسالت در حالت اسیری آوردند... هر دختری را وعده ها می دادند... تا اینکه به مجلس یزید ملعون آوردند... دختری بود سه یا چهار ساله، شبی از خواب بیدار شد و گفت پدرم (حسین (ع)) را می خواهم و ناله کرد... به دستور یزید برای آرام کردنش سر بریده حسین بن علی را در طبقی گذاشتند و در ویرانه، دختر به ملاقات پدر نایل شد و از شوق دیدار جان به جان آفرین تسلیم کرد... بالجمله از برای این دختر که رقیه (س) نام دارد، مزار معروفی در شام است که حاضر و بادی به زیارت او می روند. (۲) سخن این است اگر نقلیات فوق خبر شاذ و نادر هم باشد که نیست، خود دلیل مضاعف بر اثبات حقیقت وجود مقدس حضرت رقیه (س) است، زیرا چه لزومی دارد چنین تحریفی صورت پذیرد! حتی اگر شعر منقول از امام حسین (ع)، نسبتی بی اثبات باشد و ثابت گردد که شاعرش دیگری بوده باز خدشه ای بر اثبات وجود حضرت رقیه وارد نمی گردد.

مرحوم ملبوبی در صفحه ۷۴ از جلد ۵ کتاب الوقایع و الحوادث می نویسد: دخت سه ساله امام؛

«رقیه» همواره بهانه پدر می گرفت، از عمه اش زینب سرپرست کاروان بانوان جوایب باب مهربان بود. ایشان در جلد سوم کتاب خود (الوقایع و الحوادث) در باب وداع آخر می نویسد: دختری از خیام بیرون دوید که او را اهل خیام رقیه بنت الحسین صدا می زدند و از پدر طلب آب کرد و پدر او را در آغوش گرفت و زبان در کامش نهاد. مرحوم ملبوبی در صفحه ۸۳ از جلد ۵ کتاب الوقایع و الحوادث می نویسد: ... درایت و شهادت برخی نوشته ها این تردید را برداشته و شاهد زنده ای بر باور داستان سوزان رقیه بنت الحسین است و با یک احتمال از نظر دور نمی افتد و همان خاطره سوزناک در فکر و مغزها زنده می ماند... موجودیت مرقد منور رقیه دخت امام حسین (ع) خود کرامت بزرگی است که بر جهانیان نمودار گشته و می گردد.

### ● تواتر اجمالی و معنوی

تواتر در لغت به معنای پیایی آمدن و در اصطلاح خبر جماعتی را گویند که فی حد نفسه افاده علم کند و انسان از شنیدن آن قطع به صدق مضمون نماید، مانند خبر وقوع یک حادثه مسلم

تاریخی و ملاک در آن حصول اطمینان است و قطع به مضمون خبر و ایمنی از عدم تبانی مخبرین بر کذب.

متواتر معنوی آن است که مخبرین از واقعه یا وقایعی به مضمون واحد در قالب الفاظ مختلف خبر دهند، به طوری که الفاظ به دلالت تضمینی یا التزامی بر معنای واحدی دلالت کند و از آن اخبار علم به معنای مشترک حاصل شود. (۳)

مثال: زید به عمرو سیلی زد - زید به عمرو لگد زد - زید به عمرو مشت زد - زید به عمرو تازیانه زد... انسان از مجموع این اخبار به دلایل تضمینی پی می برد که زید ضارب عمرو بوده است، زیرا اخبار متضمن صدور ضرب از زید بر عمرو می باشد. یا روایات متعدد درباره دلآوری های حضرت علی (ع) در جنگ های مختلف به طور التزام بر شجاعت آن حضرت دلالت دارد.

در جریان خبر تاریخی ویرانه شام هم، همین قانون وارد است، زیرا مورخین و مقاتل نویسان اتفاق مشهور را اگرچه با عناوین و الفاظ مختلف و گاهی منسوب به اسامی چون زبیده بنت الحسین و... نقل کرده اند، اما با کمی تامل حقیقت اثباتی و ثبوتی آن از مضمون اخبار به دلالت تضمینی متواتراً ثابت می گردد.

آری حقیقت وجود مقدس حضرت رقیه بنت الحسین (ع) میان تمام مورخین مورد اتفاق است و منابع مختلف وجود آن حضرت و داستان شهادتش را متفقاً نقل کرده اند که به بخشی از آن اشاره شد.

اما تواتر اجمالی این است که اخبار موضوعی در حد تواتر باشد و بر آن موضوع از نظر سعه و ضیق (دامنه شمول) به طور متفاوت دلالت کند ولی قدر مشترکی بین آن اخبار باشد و آن قدر مشترک حاصل از اخبار مختلف الدلالة را متواتر اجمالی گویند؛ زیرا انسان علم اجمالی پیدا می کند که در هر حال یکی از این اخبار از معصوم صادر شده است مانند روایت حجیت خبر واحد که مضمون مختلف دارد و هر حدیثی امری را در حجیت خبر واحد شرط دانسته، مضمون برخی از اخبار اعم و مضمون بعضی دیگر اخص است؛ قدر متقن همان مضمون اخص است. بنابراین درباره خبر وجود مقدسه حضرت رقیه (س) هم همین قانون ورود داشته و نتیجه همان مضمون اخص یعنی رقیه بنت الحسین می باشد و لذا وجود ایشان به تواتر اجمالی هم ثابت و هویدا است.

### ● دلیل عقلی و منطقی

با کمی تامل مشخص می گردد اگر مسئله وجود مقدس حضرت رقیه بنت الحسین (ع)، حقیقت و واقعیتی خارجی نداشت، در طول تاریخ علمای حساس، شجاع و حقیقت مدار شیعه، به آن اشاره داشتند، در حالی که عکس این معنا صادق است یعنی در طول تاریخ بزرگترین علمای شیعه مانند سیدمرتضی، میرزای شیرازی، سید بحر العلوم و... حتی مراجع بزرگوار معاصر همگی فتوا به انجام عرض ارادت به ساحت مقدسه حضرت رقیه (س) بنت الحسین و زیارت بارگاه این گلی

که لاله شد! صادر فرموده اند و حتی خودشان به زیارت آن حضرت مشرف می شوند و بالاترین دلیل عقلی این که حضرت امام خمینی(ره) و حضرت امام خامنه ای در شام (سوریه) نماینده داشته و دارند و اگر واقعاً شام حرم حضرت رقیه بنت الحسین(ع) و حضرت زینب(س) نبود، بر حضرت امام خمینی (ره) و حضرت امام خامنه ای واجب و لازم بود مقلدان و امت اسلامی را روشن می فرمودند تا خود را برای امری که حقیقت ندارند به زحمت و هزینه نیندازند و اصلاً اعزامی صورت نگیرد و این در حالی است که عکس مطلب صادق است زیرا نماینده حضرات نه تنها چنین نمی فرمایند، بلکه تایید و تاکید هم دارند و بارها خود در پای منابر و اعظان و مداحانی که سیره سوزان حضرت رقیه (س) را تبیین می کنند، نشسته اند!

بنابراین روشن و هویدا می گردد که وجود مقدسه حضرت رقیه(س) از بدیهیات و مسلمات و متواترات است و آنان که خدشه بر آن وارد می سازند یا حوصله تحقیق و تامل علمی ندارند یا در پی ایجاد شبهه هستند تا مردم را در غبار تردید منحرف سازند. السلام علیک یا رقیه بنت الحسین!

#### منابع:

۱- موسوعه کلمات الحسین، ص ۴۸۶

۲- ریاحین الشریعه، ج ۳، ص ۳۱۲

۳- قوانین الاصول، ج ۱، ص ۳۴۰



## بسمه تعالی

در صفحه ۱۸ شماره ۴۴۱۰ مورخ ۲۴ دیماه سال ۱۳۸۸ روزنامه ایران مقاله ای با عنوان «گل میان آتش نمرود سوخت: نگرشی تحقیقی در اثبات وجود مقدسه حضرت رقیه بنت الحسین (ع)» چاپ شده است که با خواندن آن مقاله، بار دیگر بر مظلومیت پاره ای از واژه ها! و نیز ابتدال در بعضی از عناوین و مناصب و امور متأسف شدم. به راستی چرا در روزگار ما واژه هایی مثل «عالم» و «علم» و «محقق» و «تحقیق» و ... چنین بی قدر و ارج گردیده و به ابتدال کشیده است؟!.

از این موضوع که یکی از دردهای بزرگ جامعه است و نیز بررسی علل و عوامل وزمینه های آن، که فرصت و مجال بیشتری می طلبد، می گذریم و نگاهی گذرا به مقاله «تحقیقی!» پیش گفته می افکنیم:

مقاله چنانکه از عنوانش پیداست در صدد اثبات وجود طفلی بنام «رقیه» دختر امام حسین (ع) است. قبل از بررسی ارزش علمی و تاریخی دلایل نویسنده مقاله در اثبات ادعای خود، ذکر چند نکته را لازم میدانم:

**الف)** در هیچ یک از منابع تاریخی دست اول و معتبر، که ضمن نقل جریان حادثه کربلا و قیام امام حسین (ع)، متعرض حوادث شام و موضوع اسارت اهل بیت (ع) شده اند، کوچک ترین اثری از وجود دختری بنام رقیه برای امام حسین (ع) و سپس ماجراهای ترادژیک خرابه شام مثل قصه خواب دیدن طفل و آنگاه مواجهه او با رأس مطهر نیست. توضیح اینکه مهم ترین منابع قابل اعتماد نزد اهل فن در خصوص تاریخ صدر اسلام و حادثه کربلا عبارتند از:

- ۱- مقتل ابی مخنف (متوفای ۱۵۸ هـ. ق. - نسخه ای که طبری از آن نقل کرده است)
- ۲- طبقات ابن سعد (متوفای ۲۳۰ هـ. ق.)
- ۳- انساب الاشراف بلاذری (متوفای ۲۷۹ هـ. ق.)
- ۴- اخبار الطوال دینوری (متوفای ۲۸۲ هـ. ق.)
- ۵- تاریخ یعقوبی (متوفای ۲۹۲ هـ. ق.)
- ۶- تاریخ طبری (متوفای ۳۱۰ هـ. ق.)
- ۷- الفتوح بن اعثم (متوفای ۳۱۴ هـ. ق.)
- ۸- مروج الذهب مسعودی (متوفای ۳۴۶ هـ. ق.)
- ۹- ارشاد شیخ مفید (متوفای ۴۱۳ هـ. ق.)
- ۱۰- لهوف ابن طاووس (متوفای ۶۷۷ هـ. ق.)

و چند منبع دیگر که نه تنها در آنها خبری از رقیه و داستان او وجود ندارد بلکه در اغلب این

منابع تصریح شده است که امام حسین(ع) دارای دو دختر بنام فاطمه و سکینه بوده است و در مورد این دو دختر هم نه داستان سوزناک! خرابه شام نقل شده و نه هیچ یک از آنها دارای قبری در شام هستند و نه اساساً در آنجا وفات یافته اند!

ب) داستان طفل سه یا چهار ساله ای که در خرابه شام خواب پدرش (امام حسین (ع)) را دیده و سپس داستان آوردن رأس مطهر و باقی ماجرا را (البته بدون ذکر نام دختر) اولین بار عمادالدین طبری (متوفای ۶۷۵ هـ. ق) در کتاب «کامل بهایی» به نقل از یک کتاب ناشناخته به نام «حاویه» از یک نویسنده سنی مجهول الهویّه بنام قاسم بن احمد مأموفی نقل کرده و بعدها دیگران با دادن شاخ و برگ فراوان و جعل یک داستان خیالی سوزناک و غم انگیز، نام رقیه را به قهرمان این داستان بر ساخته داده اند. حال آنکه همانطور که گفته شد چنان شخصی با چنین نامی در هیچ یک از منابع تاریخی معتبر ذکر نشده است.

ج) تقریباً تمام محققین در تاریخ اسلام از علمای معاصر، در ساختگی بودن وجود دختری بنام رقیه و داستان مربوط به آن اتفاق نظر داشته و یا اعتمادی به اخبار راجع به این موضوع نکرده اند از جمله: استاد شهید مطهری و آیه ... جعفر سبحانی و استاد رسولی محلاتی و استاد دکتر شهیدی و ... .

حال با این توضیحات به سراغ «نگرش تحقیقی» نویسنده مقاله می رویم: در ابتدای مقاله آمده است: «وجود مقدسه... از سه منظر قابل رؤیت و اثبات است، اول سطور متقن تاریخ و مقاتل!» حال ببینیم این سطور متقن در کجای تاریخ و کدام مقتل ذکر شده است.

نویسنده مقاله، این «سطور متقن» را به جای منابع معتبر قدیمی و دست اول در چند نوشته، که تاریخ تألیف آنها به دو بیست سال هم نمی رسد و بدتر اینکه همه آنها جزو کتابهای غیر معتبر و تحریف ساز معرفی شده اند، یافته است و از همه جالب تر این که به دلیلی که خواهد آمد خبر منقول از این کتابها نیز هیچ ارتباطی به وجود دختر مورد نظر محقق محترم ندارد!!

### توضیح اینکه :

اولاً- بهبهانی نویسنده کتاب الدّمعه الساکبه متوفای ۱۲۸۵ هـ. ق و مازندرانی مؤلف کتاب معالی السبّطین از نویسندگان معاصر است، فلذا مطالب کتاب های این دو اگر مستند به کتب و منابع دست اول نباشد، قابل اعتماد نیست، و متأسفانه اکثر مطالب در این کتاب به چنین دردی! مبتلا هستند.

ثانیاً- منبع عمده کتاب الدّمعه الساکبه جعلیات فاضل دربندی و کتاب اسرار الشهداء است (ظاهراً بهبهانی شاگرد و مرید دربندی بوده است!) و مأخذ دیگر مطالب کتاب، «منتخب

طریحی» است که هر سه کتاب بعلاوه کتاب معالی السبطین از جمله کتابهای تحریف گر شناخته شده اند!<sup>(۱)</sup> اما کتاب معالی السبطین وضعیت بدتری دارد زیرا مؤلف این کتاب حتی زحمت معرفی منبع اخبار مجعول کتاب را هم، به خود نداده و در بسیاری از موارد اخبار مزبور را با عبارت «فی الخبر» یا «قالوا» و یا «فی بعض الکتب» روایت می کند و در مواردی هم که منبع خبر را ذکر می کند از کتابهای نامعتبر و تحریف گری مثل اسرار الشهاده و منتخب طریحی و یا روضه الشهدای کاشفی نام می برد.

ملاحظه می شود که نویسنده محترم از چه منابع اصیل و معتبری برای اثبات مدعای خود، شاهد و دلیل آورده است؟

**ثالثاً** - آنچه نویسنده درباره مخاطبین امام حسین(ع) در روز عاشور از این منابع نقل کرده است (به فرض صحت) هیچ ارتباطی به دختر سه یا چهارساله ادعایی ندارد زیرا امام (ع) در کربلا خواهری بنام رقیه - دختر امیرالمؤمنین(ع) - دارد که همسر مسلم بن عقیل (ع) بوده و بی تردید در صورت وجود چنین خطابی، طرف ندای امام (ع)، این بانوی بزرگوار بوده است! و لازم نیست به علت عدم آگاهی از تاریخ - یا با انگیزه های دیگری؟! - به زور! شخص یا دختر دیگری از پیش خود برای امام(ع) جعل و خلق کنیم!

اما نکته بسیار جالبی که ارزش تحقیقی! مقاله را به روشنی عیان می کند اینست که نویسنده پس از نقل این اخبار نا مربوط به موضوع، می گوید: «سخن اینست اگر نقلیات فوق خبرشاذ و نادر هم باشد که نیست خود دلیل مضاعف [!!!] بر اثبات حقیقت وجود مقدس ... است زیرا چه لزومی دارد چنین تحریفی صورت پذیرد!»

حقیقتاً چنین تحقیق تاریخی امری بدیع! و در نوع خود شاذ و نادر و این گونه استدلال و استنتاج، مُعرف منطقی جدید است و قیاسی با این صغری و کبرای مشعشع و متین! برآستی از جنس قرائت های هر منوتیکی پُست مدرنیسم است که رسیدن از هر مقدمه ای به هر نتیجه ای را مجاز و هر قرائتی و برداشتی از هر متنی را مصاب می داند. اما باز هم جالب تر و عجیب تر اینکه نویسنده که گویا به بی اعتباری روایات منقوله پی برده، با شگفتی تمام ادعا می کند، با این اوصاف «همین روایات دلیل مضاعف بر اثبات مدعاست» و دلیل آن اینست که چه لزومی دارد چنین تحریفی صورت گیرد؟! و بدین سان وبه یکباره از بررسی و تحقیق تاریخی به روانشناسی و روانکاوی پرش می فرمایند! و ایشان اما نمی گوید: پس این همه تحریف و جعل در متون تاریخی بخصوص در تاریخ واقعه

---

۱- در این باره ن.ک: عاشور پژوهشی / محمدصحتی سردرودی / ص ۸

عاشورا با چه «لزومی»! صورت پذیرفته است؟! و باز نمی گویند گر این همه تحریف وقصه سازی وافسانه پردازی، نبود پس دستمایه و سرمایه! بسیاری از این نوحه خوانان ومداحان چه می توانست باشد؟! گویا جناب محقق تاکنون حتی نیم نگاهی هم به کتاب "حماسه حسینی" شهید بزرگوار مطهری نکرده اند. تا بدانند چه تحریفات غریبی بدست برخی از این علماء! در تاریخ عاشورا راه یافته است، به حدی که امروز اخبار و روایات محرّف و مجعول، بسیار بیشتر از حقایق تاریخی مربوط به این حادثه عظیم در نوشته ها و سر زبانهاست و متأسفانه همین تحریفات و مجعولات در روزگار ما دستمایه و سرمایه کاسبی برای عده ای روضه خوان ومداح شده و در مجالس مذهبی ما نیز اغلب این تحریفات است که بنام حقایق تاریخی به خورد عوام الناس داده می شود! .

اما نویسنده سپس در ادامه مقاله خود، پس از نقل بیتی منسوب به امام(ع) که البته در هیچ یک از منابع معتبر نیامده و در صورت صحت انتساب هم با توجه به توضیحات پیش گفته هیچ ارتباطی به مدعی نویسنده ندارد (زیرا رقیه مذکور در بیت مزبور علی الفرض صحت انتساب، نه طفل ۳-۴ ساله بلکه خواهر امام علیه السلام می باشد) چنین می نویسد: «اگر ثابت شود این شعر از دیگری غیر از امام(ع) است باز خدشه ای بر اثبات وجود حضرت ... وارد نمی گردد!» جل الخالق! آخر چرا؟! لابد به این دلیل که نویسنده وجود حضرت... را از بدیهیات دانسته و اصولاً نیازی به ارائه دلیل و شاهد در این خصوص نمی بیند! واقعاً اینگونه تحقیق تاریخی در نوع خود نوبر است! کسی نیست از این محقق محترم بپرسد اگر چنین است چرا زحمت سنگین نوشتن چنین مقاله تحقیقی را بر خود هموار کرده است؟! .

نویسنده آنگاه روایت دیگری از کتاب بی اعتبار دیگری بنام «الوقایع و الحوادث» را شاهد بر مدعی خود می آورد که این روایت نیز مانند اکثر مطالب کتاب، ساختگی و مجعول بوده و در هیچ یک از منابع دست اول و معتبر نیامده است. لازم به ذکر است که اصولاً تا چند سده اخیر در هیچ کتابی وجود دختری با نام رقیه برای امام حسین (ع) نقل نشده است و نام «رقیه بنت الحسین(ع)» از جعلیات و تحریفات دوران اخیر می باشد.

نویسنده سپس در بخش دیگر مقاله، به منظر دوم! از اثبات مدعی خود پرداخته و ادعا نموده که اخبار مربوط به وجود شخص مورد ادعا، متواتر است و با آوردن تعاریفی ناقص از خبر «متواتر» و ارجاع به کتاب قوانین مرحوم قمی خواسته به خواننده وانمود کند که نویسنده نه تنها ید طولائی در تحقیقات تاریخی دارد بلکه از اجتهاد و فقاقت هم بی بهره نیست! معهداً همین بخش از مقاله نشان می دهد که نویسنده محترم فهم صحیحی از «خبر متواتر» ندارد، ضمن اینکه در آخر استدلال اصولی! خود متأسفانه دچار کذب بیّن و ادعای خلاف واقع شده است .

**توضیح اینکه:** چنانکه در کتب اصول فقه مذکور است شرط مهم در خبر متواتر اینست که خبر منقول باید از روایانی که خود حادثه مورد بحث را دیده اند نقل شده باشد و اصطلاحاً گفته می شود خبر متواتر باید « خبر و شهادت حسی » باشد و نه عقلی،<sup>(۱)</sup> و شرط دیگر اینکه از گفته آنان یقین حاصل شود.<sup>(۲)</sup> و شرایط دیگری که هیچ کدام از آنها در اخبار منقول در کتاب های مورد نظر نویسندگان محقق نیست و اساساً هیچ یک از اخبار مربوط به مدعی نویسنده نه تنها از روایان اصلی نقل نشده بلکه حتی از منابع دست اول هم نقل نگردیده است و کلاً ساخته و پرداخته کسانی است که به لحاظ تاریخی قرنها با زمان وقوع حادثه فاصله داشته اند.

علی ایحال، بر هر کسی که اندک آشنایی با مباحث اصول فقه داشته باشد پر واضح است که مطالب مذکور در مقاله هیچ ارتباطی به موضوع «خبر متواتر» ندارد و نویسنده متأسفانه تیر به تاریکی انداخته است!

اما ادعای نویسنده مبنی بر اینکه تمام مورخین!! در مورد وجود رقیه بنت الحسین(ع) اتفاق نظر دارند متأسفانه خلاف واقع و دروغی بزرگ است (که انشاء... با توبه مورد آمرزش قرار گیرد)، زیرا همانطور که ذکر آن رفت حتی یک محقق تاریخ چنین موضوعی را قبول ندارد. آری حتی یک مورخ محقق! مگر اینکه کسانی مثل بهبهانی ( مؤلف الدعوه الساکبه) یا مازندرانی (مؤلف معالی السبطین) و یا کاشفی و یا دربندی را به عنوان مورخ بپذیریم!

برای آشنایی با میزان سواد و معلومات این اشخاص و مرتبه اعتبار کتاب های آنها، طالبان حقیقت را به خود کتابهای این حضرات ارجاع می دهیم و ضمناً اضافه می کنم که محققین تاریخ عاشورا این اشخاص و کتابهایشان را در زمره نویسندگان و کتب تحریف ساز معرفی نموده اند.<sup>(۳)</sup>

و اما توضیحات بعدی نویسنده درباره ادعای تواتر اجمالی، دچار همان اعوجاجی است که در سطور فوق به آن اشاره گردید و در واقع قیاس مع الفارق است که نه ربطی به موضوع دارد و نه بهره ای از حقیقت!

و بالاخره سست تر و بی مایه تر از همه مطالب مقاله، بخش پایانی آن است که به ادعای نویسنده مشتمل بر دلیل عقلی! و منطقی! در اثبات مورد ادعا است. حقیقتاً این قسمت از مقاله باعث شگفتی و در عین حال مایه تأسف برای هر خواننده ای است که اندک آگاهی از بحث های تاریخی دارد. به

۱- قوانین الاصول / میرزای قمی / ۱/ ۴۲۰

۲- همان منبع

۳- از جمله ن. ک: عاشورا پژوهی / همان

این علت واضح که چگونه کسی جرأت می کند در یک روزنامه کثیرالانتشار و رسمی مقاله ای تحت عنوان «نگرش تحقیقی...»! بنویسد و در آن برای اثبات یک شخصیت تاریخی مورد ادعا این همه رطب و یابس را به عنوان دلیل « عقلی و منطقی» به هم ببافد. آخر تحقیق تاریخی کجا و این حرفها کجا! .

البته بخش پایانی مقاله می تواند به نحوی یادآور فریادهای تحریف ستیز شهید بزرگوار مطهری باشد و هم تداعی این سؤال که : چرا بعضی از علماء در برابر تحریفات دینی بخصوص تحریفات حادثه عظیم کربلا و انقلاب عاشورا ساکتند؟ برآستی چرا؟.

در پایان ذکر این نکته را ضروری می دانم که وجود و شیوع این گونه تحریفات و مجعولات در پاره ای از کتاب های شیعه و نقل آن در نشریات و محافل مذهبی، امروزه دست مایه عده ای از وهابیون جاهل و متعصب، و وهابی مسلکان منحرف گردیده تا با تمسک و استناد به آنها بسیاری از حقایق و مسلمات تاریخی را در اذهان نا آگاه و در نزد نا آشنایان به مسائل دینی و تاریخی، زیر سؤال ببرند و با اینکه خود و اسلافشان در طول تاریخ بسیاری از مسلمات و ضروریات دین و تاریخ اسلام را انکار کرده و می کنند و یا به تحریف واقعیات و حقایق تاریخی پرداخته و می پردازند، مع الوصف، شیعه را به دروغگویی و تحریف حقایق دینی متهم می سازند و با کمال تأسف در این هدف شیطانی بی توفیق هم نبودند. ۳/۲۵



پایان